

«معاونت در جرم»

از منظر فقه و حقوق جزای ایران، افغانستان و مصر

عبدالرضا اصغری*

قدرت‌الله رضانی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۳۱

چکیده

معاونت در جرم آن است که شخصی، مرتکب یا مرتکبان اصلی جرم را که در انجام عنصر مادی جرم مداخله مستقیم داشته‌اند در قالب تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، به کار بردن دسیسه، فریب و نیرنگ، تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و یا تسهیل وقوع جرم یاری نماید. معاونت، جرم مستقلی نیست بلکه جرم بودن خود را از جرم اصلی عاریه می‌گیرد. بنابراین، نقش معاون در ارتکاب جرم یک نقش تبعی است؛ زیرا معاون، در عنصر مادی جرم مداخله‌ای ندارد. از این رو، قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه، مجازات معاون را خفیف‌تر از مجازات مباشر جرم مقرر نموده و این در حالی است که در قانون جزای برخی از کشورها مانند افغانستان و مصر، مجازات معاون و مباشر یکسان می‌باشد و نوشتار حاضر، با واکاوی مبنای این اختلاف دیدگاه، ملاک قانون مجازات اسلامی و فقه مبنی بر خفیف‌تر بودن مجازات معاون را به عنوان یک رویکرد عادلانه‌تر برگزیده است.

واژگان کلیدی: معاونت، تحریک، موافقت، کمک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

dr.abdorezaasghari@yahoo.com

**دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسؤول).

Qodratollahramazani5050@yahoo.com

مقدمه

وجود یک قانون جزای عادلانه، نقش عمده‌ای در برقراری صلح، امنیت، تأمین حقوق مردم و اصلاح مجرمان دارد. از این رو، ضرورت دارد تا با بررسی تطبیقی موضوعات مطرح شده در قوانین جزای کشورهای مختلف، نقاط قوت و ضعف قوانین خود را بازشناسیم و در راه اصلاح نقاط ضعف آنها بکوشیم تا خود را به اجرای عدالت نزدیک‌تر نماییم.

از آنجا که یکی از موضوعات مطرح شده در قوانین جزای کشورهای مختلف، موضوع «معاونت در جرم» است لذا همواره این پرسش مطرح گردیده است که آیا معاونت در جرم، به تنهایی جرم مستقلی محسوب می‌شود یا این که جرم بودن خود را از جرم دیگری عاریه می‌گیرد؟

به نظر می‌رسد که معاونت در جرم، جرم مستقلی نیست بلکه جرم بودن خود را از جرم دیگری عاریه می‌گیرد و نوع عاریه گرفتن آن هم از نوع نسبی است نه مطلق؛ یعنی در اصل جرم بودن، تابع جرم دیگری است اما در مجازات می‌تواند تابع آن نباشد و مجازاتی خفیف‌تر از مجازات مجرم اصلی داشته باشد. لازم به ذکر است که قانون جزای ایران طرفدار عاریه نسبی است اما قانون جزای افغانستان و قانون عقوبات مصر، از دیدگاه عاریه مطلق تبعیت کرده‌اند و نوشتار حاضر با واکاوی مبانی این اختلاف دیدگاه، رویکرد قانون مجازات اسلامی مبنی بر خفیف‌تر بودن مجازات معاون نسبت به مباشر جرم را برگزیده است و اگرچه در زمینه مطالعه تطبیقی «معاونت در جرم» تحقیقات بسیاری صورت گرفته است لکن آنچه که در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته است در نوع خود بی‌سابقه به نظر می‌رسد.

۱. مفهوم‌شناسی معاونت در جرم

۱-۱. معنای لغوی معاونت

اهل لغت، «معاونت» را به «مظاهره» (پشتیبانی کردن، یاری رساندن و کمک نمودن) معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۵۳ و ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۹۸). بنابراین، «معاون» به معنای «ظهیر» (پشتیبان)، یاری‌گر و کمک‌رسان است و «معاونت در جرم» به معنای پشتیبانی، کمک و یاری رساندن به کسی در انجام عملی مجرمانه است.

۲-۱. معنای اصطلاحی معاونت

به نظر برخی فقها، اعانت عبارت است از انجام بعضی از مقدمات کاری که دیگری انجام می‌دهد، با قصد تحقق فعل از آن شخص موردنظر، نه بدون قصد مطلقاً (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۸).

برخی دیگر بر این باورند که معاونت بر اثم یعنی ایجاد مقدمه‌ای از مقدمات فعل غیر، اگرچه تهیه مقدمات از روی قصد نباشد و فاعل نیز در انجام فعل مستقل باشد، مشروط به این که معان علیه محقق شود (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۷۷).

از دیدگاه امام خمینی (ره) معاونت، تهیه مقدمات و اسباب معصیت برای کسی است که قصد ارتکاب آن را دارد؛ حال این تهیه اسباب برای رسیدن به هدف باشد یا نه و یا اثم در خارج تحقق یابد یا نه، در هر صورت اعانت بر اثم بوده و حرام است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۱).

صاحب قواعد الفقہیه نیز بیان داشته است که «مراد از اعانت بر اثم کمک کردن گنهکار در گناهی که از وی صادر می‌شود و آن هم به ایجاد جمیع یا بعضی از مقدمات حرامی است که مباشر مرتکب آن می‌شود» (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۶۶). مرحوم نائینی هم معاونت را این‌گونه تعریف نموده است: «معاونت عبارت است از هر عملی که توسط آن، شخصی دیگر را یاری نموده و او را در رسیدن به هدفش قادر سازد» (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷).

اما در میان اهل سنت خصوصاً در کتب فقهی احناف، تعریفی بیان نشده و تنها به بحث اعانه در باب‌های مختلف مانند بحث «صید» یا کتاب «حیل» اشاره شده است و در برخی باب‌ها مانند محاربه و سرقت، به جای واژه «معاون» از واژه هم‌معنای آن یعنی «رداً» استفاده شده است؛ چنانکه در تعریف «رداً» آمده است: «رداً با همزه، بر وزن علم یعنی یاری‌کننده و معاون و ... و گفته می‌شود اردأت فلانا یعنی او را یاری کردم و گفته می‌شود فلان ردأ فلان یعنی او را یاری و پشتیبانی کرد» (عبدالمعزم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۳۸).

در مجموع می‌توان گفت که اگر شخصی در عملیات اجرایی مرتکب جرم، هیچ مداخله‌ای نداشته بلکه نقش او فرعی و منحصر به اموری چون تهیه مقدمات یا تشویق و ترغیب مرتکب جرم باشد معاون جرم محسوب می‌شود (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۹).

۲. عنصر قانونی معاونت در جرم

۲-۱. از منظر قانون

ماده ۳۹ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵ خورشیدی بیان داشته است: «شخص در حالات آتی شریک جرم شناخته می‌شود:

- ۱- در حالتی که به ارتکاب یکی از اعمال تشکیل‌دهنده جرم، شخص را تحریک نماید و جرم به اثر همین تحریک واقع شود.
- ۲- در حالتی که به ارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم بر اثر همین موافقت بوجود آید.

۳- در حالتی که فاعل جرم را به نحوی از انحا در اعمال تجهیزاتی، تسهیلاتی یا تکمیلی ارتکاب جرم با داشتن علم به آن، کمک نماید و جرم در اثر همین کمک بوجود آید». ماده ۴۰ قانون عقوبات مصر نیز دارای مقرراتی مشابه ماده ۳۹ قانون جزای افغانستان است.^۱ در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز آمده است: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

- الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.
- ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

۱. ماده ۴۰: «بعد شریکا فی الجريمة: اولاً: کل من حرص علی ارتکاب الفعل المکون للجريمة اذا کان هذا الفعل قد وقع بناء علی هذا التحریض. ثانياً: من اتفق مع غیره علی ارتکاب الجريمة فوقع بناء علی هذا الاتفاق. ثالثاً: من اعطی للفاعل او الفاعلین سلاحاً او آلات او ای شیء اخر مما استعمل فی ارتکاب الجريمة مع علمه بها او ساعدهم بای طريقة اخرى فی الاعمال المجهزة او المسهلة او المتممة لارتکابها».

با مقایسه مواد فوق‌الذکر درمی‌یابیم که جملگی به نوعی، جرم معاونت را تبیین نموده‌اند، با این تفاوت که قانون جزای افغانستان و قانون عقوبات مصر، از عنوان «شریک» به جای «معاون» استفاده کرده‌اند. در ماده ۴۱ قانون جزای افغانستان آمده است:

۱- شریک به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده محکوم می‌گردد، مگر اینکه قانون بر خلاف آن تصریح نموده باشد.

۲- در مواردی که فاعل جرم، به سببی از اسباب قانونی مجازات نگردد این معافیت مانع مجازات شریک نمی‌گردد».

مواد ۴۱ و ۴۲ قانون عقوبات مصر نیز مقرراتی مشابه ماده ۴۱ قانون جزای افغانستان آورده^۱ و این در حالی است که ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات معاون را به مراتب خفیف‌تر از مجازات مباشر می‌داند. حال، باید دید که چرا قانونگذاران افغانستان و مصر مجازات معاون و مباشر جرم را یکسان مقرر نموده‌اند؟! اساساً قاعده عمومی در شریعت این است که مجازات‌های مقدر و معین، بر مباشر جرم جاری می‌شود (عوده، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۸). بنابراین، اگر کسی در جرایم حدود، قصاص و دیات مرتکب معاونت در جرم شود به مجازات‌های مقدر جرم ارتکاب یافته معاقب نمی‌شود بلکه تعزیر خواهد شد؛ چراکه اولاً، مجازات این جرایم شدید و سنگین است و ثانیاً، نقش معاون، در هر حال کمتر از مباشر است.

از طرفی، قانون جزای افغانستان و قانون عقوبات مصر، به جرایم حدود، قصاص و دیات نپرداخته‌اند^۲ و فقط متعرض جرایم و جزاهای تعزیری شده‌اند. بر این اساس، می‌توان عملکرد دو قانون فوق را چنین توجیه کرد که چون جرایم تعزیری غالباً حداکثر و حداقل

۱. ماده ۴۱: «من اشترك في جريمة فعلية عقوبتها الا من استثنى قانوناً بنص خاص و مع هذا:

اولاً: لا تأثير على الشريك من الاحوال الخاصة بالفاعل التي تقتضي تغيير وصف الجريمة اذا كان الشريك غير عالم بتلك الاحوال. ثانياً: كذا تغير وصف الجريمة نظراً الى قصد الفاعل منها او كيفية علمه بها يعاقب الشريك بالعقوبة التي يستحقها لو كان قصد الفاعل من الجريمة او علمه بها كقصد الشريك منها او علمه بها».

ماده ۴۲: «اذا كان فاعل الجريمة غير معاقب لسبب من الاسباب الاباحة او لعدم وجود القصد الجنائي او لاحوال اخرى خاصة به وجبت مع ذلك معاقبة الشريك بالعقوبة المنصوص عليها قانوناً».

۲. ماده ۱ قانون جزای افغانستان بیان می‌دارد: «این قانون، جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید...». قانون عقوبات مصر نیز اگرچه تصریحی به این امر نکرده اما در عمل، متعرض احکام حدود و قصاص و دیات نشده است.

دارند و دست قاضی در اعمال آنها تا حدی باز است، عدم تفکیک بین مباشر و معاون، مشکل چندانی به وجود نمی‌آورد. اما به نظر می‌رسد که این توجیه، اصل مشکل را برطرف نمی‌سازد؛ چراکه اولاً، در جرایم تعزیری هم نقش معاون از نقش مباشر کمتر است. ثانیاً، با توجه به این که قانون جزای افغانستان و قانون عقوبات مصر، اعدام تعزیری را هم پذیرفته‌اند، لذا مجازات جرایم تعزیری هم در مواردی شدید و سنگین است. بنابراین، نباید قاعدهٔ اخف بودن مجازات معاون را به جرایم مقدر اختصاص داد. لذا بر اساس اصل قانونی بودن جرم و جزا و اصل دادرسی عادلانه، سزاوار است که در جرایم تعزیری هم، به تفکیک و تناسب بین مجازات مباشر و معاون قائل شد.

۲-۲. از منظر فقه

فقیهان برای اثبات حرمت «معاونت در جرم» به ادله گوناگونی تمسک جسته‌اند. گروهی از آیه شریفه «و لاتعاونوا علی الإثم و العُدوان» (مائده، ۲)، حرمت اعانه بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ چراکه در این آیه، همکاری در جرم نهی شده است و نهی نیز دلالت بر حرمت دارد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۷۴). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که، «هر که بر قتل مسلمانی همکاری کند ولو در حد یک کلمه، روز قیامت در حالی محشور شود که بین دو چشمش نوشته‌اند: "ناامید از رحمت خدا"» (احصائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۸۳). همچنین، روایات بسیاری در نهی از کمک به ظالمین وجود دارد، از جمله گفته شده است: «هر که عالمی قدمی برای یاری ظالم بردارد، از اسلام خارج شده است» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۸۲ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷). احادیثی نیز وجود دارند که اجازه دادن محل کسب به فروشندگان و سازندگان خمر را نهی کرده‌اند (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۵۵). رسول خدا (ص) نیز در مورد خمر، ده نفر را لعنت فرموده‌اند: «کارنده درخت، باغبان، خمر ساز، خورنده، نوشاننده، حامل، آن که برایش حمل شود، فروشنده، خریدار و گیرنده پول

۱. ماده ۹۷ قانون جزای افغانستان بیان داشته است: «جزاهای اصلی عبارت است از: ۱- اعدام ۲- حبس دوام ۳- حبس طویل ۴- حبس متوسط ۵- حبس قصیر ۶- جزای نقدی». ماده ۱۰ قانون عقوبات مصر نیز آورده است: «الجنايات هي الجرائم المعاقب عليها بالعقوبات الآتية: الإعدام، الأشغال الشاقة المؤبدة، الأشغال الشاقة المؤقتة، السجن».

۲. در ماده ۳ قانون جزای افغانستان آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان مجازات نمود مگر مطابق با احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد». ماده ۵ قانون عقوبات مصر نیز آورده است: «يعاقب على الجرائم بمقتضى القانون المعمول بوقت ارتكيبها».

خمر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۲۹). از این ده نفر، تنها شارب خمر مباشر است و بقیه معاون اند.

عقل نیز انجام منکر و مقدمات آن را قبیح می‌داند. به همین خاطر، قوانین عرفی عهده‌دار وضع مجازات برای معاون جرم هستند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۷۸). با این که فقهای امامیه و عامه، بر حرمت اعانت بر اثم اجماع دارند لکن در خصوص این که آیا مجازات معاون باید کمتر از مجازات مباشر باشد یا خیر، اختلاف نظر دارند. شیخ طوسی در *الخلاف* می‌گوید: «اصحاب ما (امامیه) روایت کرده‌اند اگر کسی انسانی را نگه دارد تا دیگری او را بکشد، قاتل قصاص و نگه‌دارنده حبس ابد می‌شود تا بمیرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۳). *ابوحنیفه* و *شافعی* نیز گفته‌اند: «قاتل کشته می‌شود و نگه‌دارنده تعزیر می‌شود» (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۱۲). لکن *مالک* گفته است: «اگر او را نگه داشته و می‌داند او را می‌کشد و او هم کشت، هر دو قصاص می‌شوند» (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۱۲). *شیخ طوسی* نیز در ادامه بیان می‌دارد: «اگر با آنها کسی باشد که به نفع آنها دیدبانی دهد، مجازاتش این است که کور شود اما کشته نمی‌شود. *ابوحنیفه* گفته: لازم است معاون کشته شود نه نگه‌دارنده. *مالک* گفته: لازم است نگه‌دارنده کشته شود نه معاون و *شافعی* گفته: فقط مباشر کشته می‌شود نه نگه‌دارنده و معاون» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۳).

۳. شرایط تحقق عناصر مادی و معنوی معاونت

برای تحقق معاونت در جرم، شرایطی لازم است و این شرایط در واقع همان عناصر مادی و معنوی معاونت در جرم می‌باشند که در ادامه به بیان آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. تحقق جرم

نخستین شرط تحقق معاونت آن است که جرمی محقق شود. البته، ضروری نیست که جرم به نحو تام محقق گردد بلکه تحقق جرم غیر تام نیز در مؤاخذه و مجازات معاون کفایت می‌کند. همچنین، ضروری نیست که مباشر در جرم حتماً مجازات گردد بلکه حتی اگر مباشر به هر علتی مجازات نگردد معاون مجازات خواهد شد؛ زیرا ممکن است گاهی مباشر در جرم، به خاطر حسن نیت یا صغر یا جنون و ... مجازات نگردد (ماده ۴۱ قانون جزای افغانستان؛ ماده ۴۲ قانون عقوبات مصر و ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

با این وجود، دیدگاه فقها مختلف است. از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهیه اسباب معصیت برای کسی که قصد ارتکاب آن را دارد حتی اگر آن معصیت تحقق نیابد اعانت بر اثم بوده و حرام است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۱). شیخ انصاری نیز همین رأی را دارد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۸). اما از دیدگاه آیت‌الله خوئی، بدون تحقق جرم، معاونت صدق نمی‌کند (خوئی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۷۸).

به نظر می‌رسد فقیهانی که تحقق جرم را در صدق معاونت شرط ندانسته‌اند در پی اثبات حرمت معاونت بر اثم بوده‌اند نه در پی اثبات مجازات دنیوی معاون! از منظر حقوق موضوعه نیز تا زمانی که جرم به مرحله اجرا در نیاید معاون قابل پیگرد نیست.

۲-۲. تحقق وسیله

از جمع مواد مرتبط با بحث «معاونت در جرم» در قوانین مجازات سه کشور افغانستان، مصر و ایران می‌توان دریافت که همگی به نوعی سه عنصر موافقت، تحریک و کمک را وسیله تحقق جرم دانسته‌اند.

۳-۲-۱. موافقت

موافقت، از حیث زمان انجام آن یا «اتفاقی» است و یا «قبلی». موافقت اتفاقی آن است که اراده چند نفر بر ارتکاب جرمی همزمان گردد و جرم توسط آنان محقق شود بدون این که توافق قبلی بین آنها صورت گرفته باشد. در این صورت، به این اشخاص «شریک» اطلاق می‌گردد. اما موافقت قبلی آن است که بین مباشر و غیر مباشر، قبل از ارتکاب جرم توافقی بر ارتکاب جرم صورت گرفته باشد و جرم بر اثر همین موافقت قبلی محقق گردیده باشد. در این صورت، به آن «معاونت» می‌گویند؛ البته، به شرطی که همان جرم مورد توافق محقق یا شروع شود، وگرنه عنوان «معاونت» صادق نیست، مگر این که جرم واقع شده، قابل پیش‌بینی بوده باشد (ماده ۴۲ قانون جزای افغانستان و ماده ۴۳ قانون عقوبات مصر).

۳-۲-۲. تحریک

مقصود از تحریک آن است که مباشر را بر ارتکاب جرم وادار نماییم، به گونه‌ای که همین تحریک، او را بر ارتکاب جرم واداشته باشد.

نظر غالب حقوقدانان آن است که تحریک باید مستقیم باشد، یعنی معاون صریحاً خواستار ارتکاب جرم از ناحیه دیگری باشد. لذا صرف اظهار عواطف یا بیان بغض و کینه و یا صحبت کردن از امکان یک جرم و امثال آن تحریک محسوب نمی‌شود ولو آن که منتهی به ارتکاب جرم گردد؛ چه آن که در اینجا شخص، خواهان وقوع جرم نبوده و وحدت قصد موجود نمی‌باشد.

ترغیب نیز نوعی از تحریک و مرتبه خفیف‌تری از آن می‌باشد. در تحریک، شخص محرک تلاش می‌کند تا فکر و اراده ارتکاب جرم را در دیگری ایجاد نماید لکن در ترغیب، شخص می‌کوشد تا از راه‌های گوناگون، میل به ارتکاب جرم را که در دیگری موجود است تقویت نماید و او را به ارتکاب جرم مصمم سازد. لذا می‌توان گفت که ترغیب، تشدید میل به ارتکاب جرم در دیگری است. بنابراین، ایجاد میل به ارتکاب جرم نوعی «معاونت» می‌باشد.

تطمیع نیز نوع خاصی از ترغیب است با این تفاوت که در تطمیع، انگیزه‌ای که موجب مصمم کردن مجرم اصلی به ارتکاب جرم می‌شود صرفاً جنبه مالی و مادی دارد، در حالی که در ترغیب، وسیله‌ای که از طریق آن انگیزه ارتکاب جرم تشدید می‌شود صرفاً مالی نیست.

تهدید و ترساندن نیز می‌تواند به نوعی تحریک محسوب شود؛ یعنی شخص از طریق ایجاد ترس جانی یا مالی یا حیثیتی برای دیگری، او را به ارتکاب جرم وادار نماید (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، صص ۹۸-۹۷).

امر و اکراه به قتل نیز تحریک محسوب می‌شوند اما امر بر خلاف اکراه، در اختیار مباشر تأثیر نمی‌گذارد. بنابراین، در وسع مأمور است که فعل را مرتکب شود یا ترک کند، لکن مکره مجبور است یکی از دو چیز را اختیار کند؛ یعنی یا فعل مورد اکراه را مرتکب شود و یا این که تهدید مکره را بپذیرد و بر آن صبر کند. البته، در مواردی که امر نسبت به مأمور، از نوعی حاکمیت برخوردار باشد (مانند پدر نسبت به فرزند صغیر، یا معلم نسبت به دانش‌آموز)، امر او رنگ اکراه به خود می‌گیرد.

۳-۲-۳. کمک

هرکس مباشر در جرم را به نحوی از انحا در ارتکاب جرم کمک و یاری نماید معاون تلقی می‌شود. بنابراین، کسی که مراقب راه است برای قاتل یا سارق، معاون او در قتل یا سرقت

تلقی می‌شود. همچنین، اگر شخصی که می‌داند عده‌ای درصدد سرقت از منزل حسن هستند او را به خارج از منزل دعوت نماید تا با این عمل به سارقان فرصت ارتکاب سرقت را بدهد، به عنوان معاون قابل مجازات خواهد بود. در اینجا معاون با دسیسه و فریب و نیرنگ، عالماً و عامداً به تحقق جرم کمک کرده است.

یکی دیگر از راه‌های کمک و مساعدت، تهیه وسایل جرم است. وسیله اعم است از منقول (از قبیل کلید، اسناد مجعول، سم، آلت قتاله، تفنگ، وسیله نقلیه و مانند آن) و غیر منقول (مانند تهیه و واگذاری مکان ارتکاب جرم)، مشروط به این که مباشر، از آن وسیله در ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

از دیگر راه‌های کمک به مجرم، راهنمایی و ارائه راه و روش ارتکاب جرم (نوعی مساعدت معنوی) است، مشروط به این که این راهنمایی‌ها در وقوع جرم مؤثر بوده و مباشر در ارتکاب جرم از آنها استفاده کرده باشد.

از طرق دیگر کمک به مجرم نیز تسهیل وقوع جرم است که می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد (ر.ک: اردبیلی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، صص ۵۱-۴۱ و مرعشی شوستری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، صص ۱۰۲-۹۸).

۳-۳. وحدت قصد در ارتکاب جرم

معاونت در جرم وقتی صدق می‌کند که کسی با قصد وقوع جرم، با دیگری موافقت کند یا او را تحریک یا کمک نماید.^۱

در مواردی که مباشر، جرمی را مرتکب شود که معاون قصد آن را نکرده بود، در صورتی که احتمال وقوعش را می‌داد به مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود (ماده ۴۲ قانون جزای افغانستان و ماده ۴۳ قانون عقوبات مصر).

در خصوص لزوم وحدت قصد، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. مثلاً، شیخ/انصاری وحدت قصد را معتبر می‌داند (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۸) ولی آیت‌الله خوئی، وحدت قصد را معتبر نمی‌داند (خوئی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۷۸).

۱. البته روشن است که لازمه قصد ارتکاب جرم این است که معاون، علم به قضیه مورد نظر داشته باشد.

در مجموع می‌توان گفت آنجایی که وحدت قصد باشد هیچ اختلافی نیست در این که معاونت صدق می‌کند، اما در جایی که بین معاون و مباشر وحدت قصد وجود ندارد سه دیدگاه وجود دارد:

مطابق دیدگاه نخست، علم معاون در صدق معاونت کافی است، هرچند که وحدت قصد در میان نباشد. دیدگاه دوم معتقد است که بدون وحدت قصد، هرچند علم باشد معاونت صدق نمی‌کند. بر اساس دیدگاه سوم نیز وحدت قصد لازم است ولو به نحوی که عرف آن را از عملکرد فرد کشف کند (ر.ک: مشکینی، بی‌تا، ص ۵۰۲ و بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۳۶۹-۳۶۶).

به نظر می‌رسد که در صدق معاونت، وحدت قصد شرط باشد و ظاهراً در اندیشه عالمان، خلطی بین سببیت و معاونت رخ داده است با این بیان که، یکی از تفاوت‌های مهم میان سببیت و معاونت، وجود یا عدم وجود وحدت قصد است. برای تحقق معاونت، وجود وحدت قصد بین مباشر و معاون ضرورت دارد ولی در مورد سببیت، ممکن است شخص، مسبب وقوع جرمی شناخته شود هرچند که برای ارتکاب جرم با دیگری همدلی نکرده باشد بلکه همین که با اقدام خود زمینه وقوع جرم را غیر مستقیم فراهم کرده باشد جرم به او نسبت داده می‌شود هرچند قصد حصول آن نتیجه مجرمانه را هم نداشته باشد. مثلاً، اگر کسی بدون آن که قصد ایراد صدمه نسبت به دیگری را داشته باشد، در معبر عمومی چاهی حفر کند و از گذاردن علایم بازدارنده در کنار چاه خودداری ورزد و به علت بی‌مبالاتی یا از باب عدوان، مسبب وقوع جرمی شود، جرم به او نسبت داده می‌شود و قابل تعقیب کیفری است اما اگر پس از حفر چاه، شخص دیگری کودکی را در چاه بیندازد و منتهی به مرگ وی شود، حفرکننده چاه چون با مباشر وحدت قصد برای کشتن کودک نداشته است اقدام او در حفر چاه، معاونت محسوب نمی‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۲۶۱-۲۶۰).

۳-۴. رابطه سببیت

میان عمل ارتكابی معاون و نتیجه عمل مجرمانه مباشر باید رابطه سببیت عرفی و منطقی موجود باشد مگر آن که قانونگذار بنا به مصالحی، مجازات شخص را صرف نظر از ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم اصلی، ضروری بداند (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۹۱).

رابطه سببیت باید آنچنان باشد که اگر عمل معاون نبود جرم اصلی واقع نمی‌گردید و یا لاقلاً به نحوی که واقع شده است اتفاق نمی‌افتاد (ماده ۳۹ قانون جزای افغانستان و ماده ۴۰ قانون عقوبات مصر). مثلاً، اگر زید، خالد را به محلی بیاورد تا بکر او را بکشد لکن وقتی در محل حاضر شد بکر نبود لذا او هم خالد را رها کرد و خالد به خانه‌اش برگشت، در اینجا اگر بکر وقتی به محل آمد و خالد را ندید، به در خانه او رفت و او را کشت، معاونت در قتل صورت نگرفته است؛ چون بین کمک زید (آوردن خالد به محل خاص) و قتل خالد توسط بکر، رابطه سببیت وجود ندارد.

۴. نکات دیگری پیرامون معاونت در جرم

۴-۱. عدم تحقق معاونت در جرم با ترک فعل

برای تحقق معاونت در جرم، وقوع جرم اصلی به تنهایی کافی نیست بلکه لازم است شخص معاون، به یکی از طرق معینه در قانون، با مباشر همکاری نماید. بنابراین، فعل سلبی یا ترک فعل، از قبیل سکوت و یا عدم اقدام برای جلوگیری از ارتکاب جرم، نمی‌تواند محقق‌کننده عنصر مادی معاونت در جرم باشد.

شعبه پنجم دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۲۵۰۴ مورخ ۱۳۱۷/۱۱/۶ بیان داشته است: «سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب بزه را نمی‌توان معاونت تلقی کرد». در رأی شماره ۵۶۴ مورخ ۱۳۲۶/۶/۲۲ صادره از همین شعبه نیز آمده است: «اگر یکی از دو نفر همکار اداری مرتکب اختلاس شود و دیگری با علم و اطلاع سکوت اختیار کند و گزارش ندهد، عمل او را نمی‌شود معاونت تلقی کرد».

البته، در مواردی که فرد مورد نظر، وظیفه‌ای را بر عهده داشته و عالمناً عامداً برای سهولت در ارتکاب جرم، اقدامی نکرده و جرم بر اثر همین ترک فعل او رخ داده باشد، معاونت در جرم محقق گردیده است. به عنوان نمونه، بند ۶ ماده واحده قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴ بیان داشته است: «کسانی که از تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرائم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات ذیصلاح اعلام نمایند به مجازات معاون جرم محکوم خواهند شد».

تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ نیز بیان می‌دارد: «... در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و

به‌طور کلی مسئول یا مسئولین ذیربط که به‌گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند».

ماده ۱۴ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز بیان می‌دارد: «کلیه اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی موظفند گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شورای عالی مبارزه با پولشویی موضوع ماده (۴) قانون مذکور ارسال کنند...»

تبصره ۱- چنانچه هر یک از اشخاص مذکور از روی آگاهی و عمد یا برای کمک و تسهیل ارتکاب جرم، وظایف مذکور را انجام ندهد، معاون جرم محسوب می‌شود...».

از کلمات فقها نیز مستفاد می‌گردد که عدم اقدام به جلوگیری از جرم، معاونت محسوب نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۵۳)، مگر این که وظیفه‌ای در بین باشد (شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۵۹).

در مجموع، باید اعتراف کرد که در برخی موارد، ترک فعل به علت وجود عنصر استناد، از مصادیق اعانت است و بهترین نمونه آن، موارد وجود وظیفه برای اشخاص خاص است. مثلاً، نگهبان منزلی با علم به وقوع سرقت، درب منزل را قفل نمی‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۸۴). البته، در این موارد باید وحدت قصد (هرچند به کشف عرفی) باشد و گرنه، سببیت صادق است نه معاونت.

۲-۴. تأثیر عدول معاون از معاونت

پرسشی که در ابتدا مطرح می‌شود این است که هرگاه شخص، از توافق یا تحریک یا کمکی که در راستای تحقق جرم انجام داده است قبل از وقوع جرم پشیمان شود و برگردد ولی جرم توسط مباشر محقق شود، آیا معاونت منتفی می‌شود یا خیر؟

در پاسخ باید گفت که در صورت برگشت از توافق و کمک می‌توان گفت که معاونت نیز منتفی است؛ زیرا رابطه سببیت بین تحقق جرم و توافق و کمک ابتدایی وجود ندارد؛ اما در صورت برگشت از تحریک، مشکل است بگوییم معاونت منتفی است، مگر این که ثابت شود معاون، تمام آثار تحریک خود را زایل کرده و در ارتکاب جرم توسط مباشر، تحریک سابق او اثری نداشته است.

۳-۴. عاریه‌ای بودن معاونت در جرم

پرسشی که در بحث معاونت در جرم مطرح می‌شود عبارت از این است که آیا معاونت در جرم، به تنهایی جرم مستقلی محسوب می‌شود، یا این که جرم بودن خود را از جرم دیگر عاریه می‌گیرد؟ در مورد این پرسش دو رویکرد عمده وجود دارد و ما در این قسمت پس از بیان آنها، به آرای فقها در این خصوص نیز اشاره خواهیم کرد.

الف) معاونت به عنوان جرم مستقل: این دیدگاه معتقد است که وقتی چند نفر مرتکب جرمی می‌شوند به تعداد شرکت‌کنندگان، جرایم مستقل به وجود می‌آید. بنابراین، تشخیص مجرمین اصلی از معاونین، مورد ندارد و باید مسؤولیت هر یک منفرداً مورد بررسی قرار گیرد. برخی حقوقدانان خصوصاً طرفداران مکتب تحقیقی،^۱ چنین استدلال می‌کنند که باید به شخصیت خطرناک مجرم نظر افکند و مجازات معاون (صرف‌نظر از مجازات مباشر) باید متناسب با خطری باشد که شخص (معاون) برای اجتماع دارد. (ر.ک: اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸).

ب) استعاره مجرمیت: در رویکرد دوم، که از آن به «مجرمیت استعاره‌ای» یا «معاونت عاریه‌ای» نیز یاد می‌شود، معاونت یک عنوان مجرمانه مستقل نیست بلکه امری فرعی و تبعی است. لذا تحقق آن منوط به تحقق فعل مجرمانه اصلی است. لازم به ذکر است که استعاره مجرمیت خود به دو نوع مطلق و نسبی تقسیم می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳). در استعاره مطلق مجرمیت، اصل بر تساوی مجازات مباشر و معاون است؛ یعنی همچنان که جرم بودن معاونت عاریه‌ای است مجازات آن هم عاریه‌ای است و علت آن هم این است که چون معاون و مباشر دارای وحدت قصد می‌باشند مجازاتشان هم واحد است. در استعاره نسبی مجرمیت، مجازات معاون متناسب با مجازات مباشر و نوعاً کمتر از آن است؛ زیرا نقش معاون در تحقق جرم، کمتر از نقش مباشر می‌باشد.

با توجه به این که قوانین جزای افغانستان و عقوبات مصر، مجازات معاون را همان مجازات مباشر می‌دانند به نظر می‌رسد که قانونگذاران این کشورها معاونت را یک جرم

۱. مکتب تحقیقی، بر این باور است که جرم، زائیده عوامل شخصیتی و محیطی است.

عاریه‌ای مطلق در نظر گرفته‌اند، اما ظاهراً قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از سیستم استعاره نسبی استقبال نموده است.

در خصوص مستقل یا استعاره‌ای بودن معاونت، در کلام فقها تصریحی که بیانگر دیدگاه آنها باشد وجود ندارد و مطلبی که به استناد آن می‌توان دیدگاه فقها را کشف کرد بحث شرطیت یا عدم شرطیت تحقق معان‌علیه در صدق معاونت است. فقیهانی که معتقدند وقوع معان‌علیه هیچ دخالتی در تحقق عنوان معاونت ندارد به طور ضمنی از دیدگاه استقلالی بودن معاونت پیروی کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۸)، اما فقهایی که وقوع معان‌علیه را در تحقق معاونت شرط می‌دانند به نوعی بر استعاره‌ای بودن معاونت تأکید دارند (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۷۹) و در مجموع به نظر می‌رسد که غالب فقها از دیدگاه دوم پیروی کرده‌اند.

در فقه احناف نیز در این مورد تصریحی وجود ندارد، اما با توجه به عبارات فقهای آنان، در ابوابی همچون قطاع الطريق، سرقت و محاربه می‌توان این طور استنباط کرد که فقهای حنفی از نظریه استعاره‌ای بودن معاونت تبعیت کرده‌اند (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۹۸).

۴-۴. شروع به معاونت

برای تحقق معاونت، عملی که معاون به آن مبادرت می‌ورزد باید در خارج به طور کامل ظاهر شود؛ یعنی از مرحله شروع فراتر رود تا بتوان معاون را مجازات نمود. بر این اساس، بین حقوقدانان مشهور است که «معاونت در شروع به جرم قابل مجازات است ولی شروع به جرم معاونت مجازات ندارد». بنابراین، مطابق قانون مجازات اسلامی، شروع به معاونت، معاونت در جرم نخواهد بود (ر.ک: اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۴۰ و ۴۹).

اما شاید بتوان گفت که قانون جزای افغانستان در مواردی شروع به معاونت را نیز جرم دانسته است. مثلاً بند ۳ ماده ۱۹۳ این قانون بیان داشته است: «شخصی که به قصد ارتکاب عمل مخالف منافع ملی، یکی از اشیای متذکره فوق را به شخصی بدهد یا عرضه نماید یا به تأدیه آن وعده کند یا در اجرای آن وساطت نماید، به عین جزای فقره فوق محکوم می‌گردد. اگر طلب، قبولی، وساطت و یا وعده تحریری صورت گیرد، جرم مذکور به مجرد صدور مکتوب انجام شده تلقی می‌شود».

۴-۵. تحقق معاونت در جرایم مادی صرف

جرایم مادی صرف، جرایمی هستند که قانون برای جرم شناختن آنها به صرف تحقق عنصر مادی بسنده کرده و برای اجرای مجازات، اثبات عنصر معنوی (قصد سوء و خطا) را ضروری نمی‌داند (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹). برای نمونه، در ماده ۷ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ آمده است: «هرکس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد...».

لازم به ذکر است که عنصر معنوی این جرایم، تقصیر جزایی است، اما در مواقعی که چنین تقصیری نیز وجود ندارد در هر صورت، مجازات اعمال می‌شود. مثلاً، شخصی امضای دیگری را جعل می‌کند و یا در مندرجات چک تغییراتی می‌دهد و حساب بانکی صاحب چک را خالی می‌کند. صاحب چک که از این اتفاقات آگاه نیست، چکی در وجه دیگری صادر می‌کند اما در حساب بانکی وی وجهی نیست و دارنده چک، حکم جلب صادرکننده را تقاضا می‌کند و وی را به زندان می‌اندازد. بی‌تردید صادرکننده هیچ تقصیری در صدور چک بلامحل نداشته و گمان می‌کرده که چک محل‌دار صادر کرده است (جهل موضوعی).

در هر حال، یقیناً مراجع قضایی، بدون این که در عنصر معنوی یا تقصیر و عدم تقصیر صادرکننده کنکاش نمایند حکم به زندانی کردن وی خواهند داد که بیشتر به جهت مصالح قضایی و اجتماعی است.

نکته اساسی این است که باید ببینیم آیا در جرایم مادی صرف، وجود عنصر معنوی اصولاً لزومی ندارد یا این که مفروض انگاشته می‌شود؟ با توجه به این که در تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد شرط است لذا چنانچه معتقد به عدم لزوم وجود عنصر معنوی باشیم، معاونت در جرم مادی صرف محقق نخواهد شد؛ اما در صورتی که وجود عنصر معنوی مفروض انگاشته شود، معاونت در جرم مادی صرف محقق می‌شود و به نظر می‌رسد که در جرایم مادی صرف، عنصر معنوی مفروض انگاشته می‌شود نه این که اصلاً وجود آن لازم نباشد. لذا اگر در موردی که جرم مادی صرف به وقوع پیوسته است، عدم وجود عنصر معنوی مرتکب اثبات شود، به براءت او حکم می‌گردد.

با این توضیحات می‌توان گفت از آنجا که در قوانین ایران، جرایم مادی صرف پذیرفته شده است، علی‌القاعده باید تحقق معاونت در چنین جرایمی هم پذیرفته شده باشد. در

قانون جزای افغانستان (ماده ۵۰۵) و قانون عقوبات مصر (ماده ۲۰۴ مکرر ب) نیز جرایم مادی صرف به چشم می‌خورد. همچنین، ماده ۱۹۷ قانون جزای افغانستان بیان داشته است: «اشخاص آتی به حبس متوسط محکوم می‌گردند: ... ۲- هر افغان که در خارج کشور به نحوی از انحا فعالیتی را انجام دهد که به اثر آن منافع ملی متضرر گردد ...». بنابراین، می‌توان گفت که قانونگذاران افغانستان و مصر نیز معاونت در جرایم مادی صرف را پذیرفته‌اند.

۴-۶. تحقق معاونت در جرایم مطلق عمدی

جرایم به لحاظ لزوم یا عدم لزوم حصول نتایج مجرمانه، به جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند و در جرایم مطلق، ارتکاب عمل خاص صرف نظر از تحقق نتیجه، جرم است. در قوانین ایران نیز مصادیقی از جرم مطلق به چشم می‌خورد. برای نمونه، در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ آمده است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی ... برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیماً قبول نماید در حکم مرتشی است ... خواه آن کار را انجام داده یا نداده ... و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد ...». بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نیز ارتکاب برخی اعمال را صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله، تأمین مالی تروریسم و جرم دانسته است. در قانون جزای افغانستان (مواد ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۳۳ و ۲۳۵) و قانون عقوبات مصر (ماده ۲۱۶) نیز به مواردی برمی‌خوریم که بیانگر جرم مطلق می‌باشند. در این نوع جرایم، قطعاً باید بگوییم که قانونگذاران ایران، افغانستان و مصر، علی‌القاعده معاونت را پذیرفته‌اند؛ زیرا مباشر، قصد مجرمانه دارد و از ناحیه وحدت قصد، خللی به تحقق معاونت وارد نمی‌شود.

۴-۷. تحقق معاونت در جرایم مطلق غیرعمدی

جرایم غیرعمدی جرایمی هستند که عنصر روانی آنها تقصیر یا خطای کیفری ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات دولتی است (اردبیلی، ۱۳۸۵،

ج ۲، ص ۵۳). با این وصف، در قانون جزای افغانستان (ماده ۲۵۰) و قانون عقوبات مصر (ماده ۷۷ مکرر د) با جرایمی مواجه می‌شویم که هم مطلق‌اند و هم غیرعمدی. آنچه در این خصوص مهم به نظر می‌رسد آن است که اصولاً در جرایم غیرعمدی، معاونت در جرم محقق نمی‌شود؛ چراکه از شرایط تحقق معاونت، وحدت قصد است، در حالی که در جرایم غیرعمدی، مباشر، عمد و قصد (مجرمانه) ندارد.

به‌طور کلی، آنچه که جنایت‌های عمدی را از جنایت‌های غیرعمدی جدا می‌سازد عنصر سوءنیت است و نتیجه‌ای که از این اختلاف حاصل می‌شود آن است که هیچ یک از قواعد حقوق کیفری را که حول محور عنصر سوءنیت شکل گرفته‌اند نمی‌توان در مورد جرایم غیرعمدی به کار بست. مثلاً، شروع به جرم در جرایم غیرعمدی به دلیل فقدان قصد و اراده مجرمانه منتفی است. معاونت در جرم نیز چون به وحدت قصد (مجرمانه) میان مباشر و معاون مشروط شده است، در جرایم غیرعمدی مصداق ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۲).

البته در گذشته، دیوان عالی کشور در آرای متعدد خود قائل به معاونت در جرایم غیرعمدی بوده است. برای نمونه، در رأی شماره ۲۷۶۴ مورخ ۱۳۱۶/۱۲/۲۹ صادره از شعبه پنجم دیوان عالی کشور آمده است: «در جرائم غیرعمدی معاونت به همین قدر صدق می‌کند که با علم و اطلاع به اینکه شخص در کاری مهارت ندارد یا آن کار بر خلاف نظامات یا بی‌احتیاطی است و ممکن است منجر به حادثه خطرناک شود با آن شخص معاونت کند. بنابراین اگر راننده‌ای رل ماشین را به شاگرد خود که می‌دانسته پروانه ندارد و از رانندگی بی‌اطلاع است بدهد و در نتیجه منجر به قتل غیرعمد دیگری شود عمل معاونت و مشمول ماده ۱۷۷ قانون جزای عمومی خواهد بود...» (ر.ک: میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷). همچنین، شعبه دوم دیوان عالی کشور به موجب رأی شماره ۲۴۹۵ مورخ ۱۳۱۹/۴/۳، در مورد کسی که رانندگی اتومبیل را به شاگرد بدون پروانه واگذار نموده و شاگرد مرتکب قتل غیرعمدی شده بود، معاونت در جرم غیرعمدی را پذیرفته بود با این بیان که، «اگر مکانیسین به شاگرد خود که گواهینامه رانندگی ندارد دستور بدهد که اتومبیل را به خارج شهر ببرد و مورد معاینه قرار دهد و اتومبیل در همان موقع به کسی تصادف کند و موجب فوت وی گردد مکانیسین معاون در قتل غیرعمدی است».

لکن بعداً از این دیدگاه عدول شد؛ به عنوان نمونه کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی سابق در سال ۱۳۶۳ طی یک نظریه مشورتی، به استناد این که وحدت قصد در جرایم غیر عمدی مفهومی ندارد، تحقق معاونت را در این جرایم غیرممکن دانسته است (ر.ک: میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷).



نتیجه

تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات معاون جرم را خفیف‌تر از مجازات مباشر قرار داده و این مطلبی است که فقه نیز بر آن صحه گذاشته است؛ این در حالی است که قانون جزای افغانستان (ماده ۳۹) و قانون عقوبات مصر (ماده ۴۰)، مجازات معاون و مباشر را یکسان مقرر نموده‌اند.

اما با توجه به این که دو قانون اخیرالذکر، اعدام تعزیری را پذیرفته‌اند شایسته است همان‌گونه که کنفرانس مالزی نیز بر آن تأکید کرده است^۱ و بر اساس اصل دادرسی عادلانه، مجازات معاون را از مجازات مباشر تفکیک نموده و خفیف‌تر قرار دهند. به بیان دیگر، نباید قاعدهٔ اخف بودن مجازات معاون را به جرایمی که مجازات مقدّر و ثابت دارند اختصاص داد؛ چراکه در هر حال، از این مطلب نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که حتی در جرایم تعزیری، نقش معاون در ارتکاب جرم از نقش مباشر کمتر است و او مرتکب عنصر مادی جرم نشده است. بنابراین، معنا ندارد که مجازات معاون و مباشر یکسان باشد و اگر قانونگذار در مواردی به خاطر مصالحی تشخیص دهد که باید مجازات معاون برابر با مجازات مباشر یا شدیدتر از آن باشد باید جرم‌انگاری خاص انجام دهد نه این که اصل را بر تساوی مجازات معاون و مباشر قرار دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. به منظور اصلاح قانون جزای افغانستان، در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۵ خورشیدی کنفرانسی با حضور صاحب‌نظرانی از کشورهای مختلف (از جمله حبیب‌الله غالب، وزیر عدلیه دولت جمهوری افغانستان) در مالزی برگزار گردید و در این کنفرانس پنج روزه در مورد چگونگی و معیارهای اصلاح قانون جزای افغانستان به گفتگو و تبادل نظر پرداخته شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۳ق.
۳. الاحصائی (ابن ابی جمهور)، محمد بن علی بن ابراهیم؛ عوالمی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، جلد ۱، نشر سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ق.
۴. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد ۲، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
۵. الافریقی المصری (ابن منظور)، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، جلد ۱۳، دار الفکر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۶. الاندلسی القرطبی الظاهری (ابن حزم)، علی بن أحمد؛ المحلی بالآثار فی شرح المجلی بالاختصار، جلد ۱۰، دار الفکر، بی تا.
۷. انصاری، مرتضی؛ کتاب المکاسب، جلد ۱، منشورات دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ق.
۸. بجنوردی، سیدحسن؛ القواعد الفقهیه، جلد ۱، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹ق.
۹. بجنوردی، سیدحسن؛ القواعد الفقهیه، جلد ۲، مؤسسه عروج، چاپ سوم، تهران، ۱۴۰۱ق.
۱۰. خمینی، سیدروح الله؛ المکاسب المحرمه، جلد ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۱. خوبی، سیدابوالقاسم؛ مصباح الفقاهه فی المعاملات (المکاسب)، جلد ۱، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، چاپ چهارم، قم، ۱۴۳۰ق.
۱۲. سرخسی، محمد بن احمد؛ المبسوط، جلد ۹، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۳. شاهرودی، سید محمود و دیگران؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، جلد ۱، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم، ۱۴۲۶ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن؛ الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، جلد ۳، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن؛ الخلاف فی الاحکام؛ جلد ۵، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.

۱۶. عاملی (حر العاملی)، محمد بن الحسن؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۱۷، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۷. عبدالمنعم، محمود بن عبدالرحمن؛ معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، جلد ۲، دار الفضیله، قاهره، ۱۴۱۹ق.
۱۸. عوده، عبدالقادر؛ التشریح الجنائی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، جلد ۱، دارالکاتب العربی، بیروت، بی تا.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین، جلد ۲، نشر هجرت، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، جلد ۶، الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی؛ قواعد فقه، جلد ۴، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۴۰۶ق.
۲۲. مرعشی شوستر، سیدمحمدحسن؛ دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، جلد ۲، میزان، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۲۳. مشکینی، میرزا علی؛ مصطلحات الفقه، نشر الهادی، قم، بی تا.
۲۴. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۵. نائینی، میرزاحمدحسین؛ مکاسب و البیع، جلد ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام، جلد ۴۳، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، ۱۴۰۴ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**"Aid and Abet in an Offense" under Iran, Afghanistan and Egypt
Jurisprudence and Criminal Laws**

AbdolReza Asghari *

Ghodratollah Ramezani **

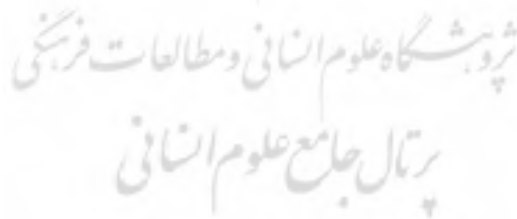
Received: 21/06/2017

Accepted: 20/08/2017

Abstract:

Aid and Abet in an Offense is to help someone, the principal or main perpetrator(s) of the crime - who have been directly involved in material element of the crime - as referred to in the law. To fulfill Aid and Abet, it is necessary to determine the conditions in the law. Aid and Abet is not an independent crime and borrows its status as a crime from the original crime. Therefore, the role of accessory perpetrator in committing a crime is ancillary, because such perpetrator has no intrusive mass in the material element. In this regard, pursuant to Iran Penal Code and jurisprudence, the punishment of accessory perpetrator is milder than principal perpetrator. However, in penal codes of some countries, such as Afghanistan, Egypt, France, United Kingdom, United States, and ... the punishment of accessory and principal is identical. This research looks at the basis of such difference of opinion, and see which one is closer to criminal justice and jurisprudence.

Key words: *Aid and Abet in an Offence, Excitement, Agreement, Assistance.*



*Assistant Professor at Razavi University of Islamic Sciences.

dr.abdorezaasghari@yahoo.com

**Ph.D Student of Criminal Law and Criminology at Razavi University of Islamic Sciences.

Qodratollahramazani5050@yahoo.com